



رکن مادی جنایت تجاوز ارضی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در پرتو قطعنامه کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان در کامپالا



دکتر امیرحسین ملکی‌زاده**

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

جنایت تجاوز، طی اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، در صلاحیت دیوان قرار گرفت. در اولین بازنگری اساسنامه به سال ۲۰۱۰، جهت حراست از صلح جهانی، جنایت تجاوز، تعریف و عناصر آن مشخص گردید. لذا این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که در پرتو آخرین تحولات اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، عنصر مادی جنایت تجاوز چگونه است؟ علاوه بر اینکه در تحقق تعریفی مشخص برای جنایت تجاوز و همچنین شروط اعمال صلاحیت دیوان اختلاف نظرهای زیادی وجود داشت و همین اختلافات باعث شد نوآوری خاصی صورت نگیرد اما برای جنایت تجاوز را میتوان به مجموعه اقداماتی که مدیریت جنگ مینامیم تعبیر نمود. شدت و گستردگی عمل تجاوز کارانه سبب شده است که اقدام به این کار از گذر مقدمات و شرایط خاصی صورت پذیرد. مداخله کنندگان با تحقق سایر شرایط به جنایت تجاوز محکوم می‌شوند. البته در ابتدای اقدام، پس از برنامه‌ریزی، ابزار و وسایل نظامی تهیه و به دنبال آن، اجرای برنامه‌ریزی شده توسط سران نظامی انجام می‌شود. بعد از انجام عمل تجاوز کارانه و تجاوز به کشور دیگر، مدیریت مناطق اشغال شده، آخرین مرحله مدیریت جنگ می‌باشد. از این رو میتوان این فرضیه را مطرح کرد که رکن مادی جنایت تجاوز در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی شامل برنامه‌ریزی، تدارک، آغاز و اجرای یک عمل تجاوز کارانه می‌باشد که همچنین شکل‌گیری ساختار تجاوز نیاز به شروط ایجابی مانند عمل مسلحانه بودت و شروط سلبی مانند هم‌سوئی با منشور سازمان ملل است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که این عمل از سوی سران سیاسی و نظامی مؤثر در هدایت و کنترل یک کشور انجام می‌شود. اقدامات صورت گرفته باید برای انجام عمل تجاوز کارانه‌ای باشد که از لحاظ ماهیت، شدت و گستره، موجب نقض آشکار منشور سازمان ملل متحد باشد.

کلیدواژگان: دیوان بین‌المللی کیفری، مدیریت جنگ، عمل تجاوز کارانه، تجاوز، رکن مادی

استادیار گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. / ایمیل: molkizadeh@mshdiau.ac.ir

Article Link: https://www.isj.ir/article_167684.html

مقدمه

با پیشرفت جنگ افزارهای جنگی در دهه های اول قرن بیستم و به دنبال آن آثار مخرب جنگ اول جهانی موجب گردید ممنوعیت و جرم انگاری جنگ طرفداران بیشتری در جامعه جهانی پیدا نماید. «تا اوایل این قرن غالباً جنگ یک ابزار سیاسی مشروع و قانونی در جامعه بین‌الملل تلقی می‌شد» (Solis, 2020: 11) «به طوری که انسان از سه هزار و چهارصد سال تاریخ شناخته شده، تنها حدود دوست و پنجاه سال در صلح عمومی به سر برده است» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۷: ۳)؛ Ziaee Bigdeli (2018: 3). ممنوعیت جنگ به طور مطلق در پیمان بریآن- کلوک محقق شد اما جرم انگاری جنگ با مشکل حقوقی برخورد کرد، از یک طرف در مورد اینکه آیا جنگ تجاوز کارانه به لحاظ حقوقی قابل تعریف می‌باشد یا خیر؟ «و از طرف دیگر اختلاف در تعاریف و مصادیق ارائه شده از سوی برخی کشورها موجب شد که در تعریف جنگ تجاوز کارانه توافق حاصل نگردد و در منشور سازمان ملل آنها به ذکر عنوان تجاوز اکتفا شود (ماده ۳۹ و قسمت دوم ماده ۴ منشور سازمان ملل). این نقصان موجب گشت مجمع عمومی سازمان ملل بلافاصله پس از آغاز به کار؛ تعریف عمل تجاوز کارانه^۲ را در دستور کار قرار داد، این امر به کمیسیون حقوق بین‌الملل^۳ واگذار گردید؛ کمیسیون مذکور این وظیفه را به عهده گروه ویژه‌ی تحت عنوان گروه ویژه تعریف عمل تجاوز کارانه نهاد.

مشکل جدید در روند دیوان، عدم توافق در تعریفی از عمل تجاوز کارانه که موجب مسئولیت کیفری شخص حقیقی بشود و دیوان بتواند به آن اعمال صلاحیت نماید بود که سبب شد (قسمت دوم ماده ۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری) اعمال صلاحیت دیوان به جنایت تجاوز منوط به تعریف آن و تعیین شرایط اعمال صلاحیت در اولین کنفرانس بازنگری در اساسنامه رم گردید. با وجود این، در اولین کنفرانس بازنگری نمایندگان اعضای مجمع کشور های عضو با تفکیک بین جنایت تجاوز که توسط افراد سیاسی و نظامی موثر در حکومت یک کشور انجام می‌پذیرد و منجر به مسئولیت کیفری فردی می‌شود و عمل تجاوز کارانه که به وسیله دولت (شخص حقوقی) صورت می‌گیرد و مسئولیت دولت را به دنبال دارد (ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان، الحاقی ۲۰۱۰) موفق به تعریف این جنایت شدند. این امر در ماده ۸ مکرر به اساسنامه دیوان اضافه گردید. از این رو این موفقیت در تعریف جنایتی که یکی از زشت ترین و منجرانه ترین رفتارها در سطح بین‌الملل است به عنوان یک پیشرفت چشمگیر در سطح بین‌المللی و برای جامعه جهانی به شمار می‌آید. با این توضیح می‌توان گفت بررسی ابعاد و روند تصویب اساسنامه و از طرفی بررسی عنصر مادی در این

¹. Charter of the United Nations

². Act of Aggression

³. International Law Commission

موضوع رویکردی نو بشمار می‌آیند و در این راستا همچنین مصادیقی که در بحث برشمرده می‌شود می‌تواند این پژوهش را از سایر پژوهش‌های هم‌سو متمایز نماید.

علاوه بر این عناصر جرایم که مطابق با ماده ۹ با تصویب اکثریت دو سوم اعضای مجمع دولت‌های عضو عنصر مادی هر یک از جنایت در صلاحیت دیوان را به تفصیل شرح می‌دهد. در این نوشته عنصر مادی جنایت تجاوز مطابق با ماده ۳۰ اساسنامه بررسی می‌کنیم. در نهایت در بیان هدف، سوال و فرضیه و همچنین روش این پژوهش نیز به شرح ذیل تشریح می‌گردد.

هدف از انجام این پژوهش واکاوی رکن مادی جنایت تجاوز ارضی دیوان کیفری بین‌المللی، ارکان رفتار فیزیکی مجرمانه، شرایط و اوضاع حاکم برای شناخت جنایت تجاوز و همچنین نتیجه‌ای که جنایت تجاوز می‌توان دریافت نمود و انتساب جنایت در پرتو قطعنامه اساسنامه دیوان در کامپالا.

در همین راستا سوالی که مطرح می‌شود اینست که تحولات و بازنگری‌های حقوق بین‌الملل نسب به رکن مادی تجاوز ارضی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری چگونه است؟

و در همین راستا فرضیه‌ای که مطرح می‌شود بیان میدارد که: برای تحقق رکن مادی جنایت ارضی ارکان مختلفی باید در کنار هم وجود داشته باشد که البته محقق شدن رفتار فیزیکی می‌تواند به صورت فعل و ترک فعل باشد، و همچنین این رفتار شرایط سلبی و ایجابی را میطلبد که شرایط سلبی آن دفاع مشروع نبودن و هم‌سوئی با منشور سازمان ملل و شرایط ایجابی آن مسلحانه بودن طرفین است.

و در نهایت روش پژوهش حاضر که به صورت توصیفی عینی از وقایع به شکل منسجم و دارای ساختار مشخص رکن مادی تجاوز ارضی را با توجه به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در قطعنامه کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان در کامپالا بررسی نماییم، از این‌رو در یک پژوهش توصیفی و تحلیلی و با مراجعه به کتب، مقالات و همچنین روند تصویب اساسنامه دیوان یافته‌های پژوهش را بررسی و تحلیل نماییم.

۱- پیشینه پژوهش

در مقاله‌ای با موضوع «تعریف جنایت تجاوز در پرتوی قطعنامه کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در کامپالا (ژوئن ۲۰۱۱)» یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که برخی ابهامات درباره تعاریف صورت گرفته و محدودیت‌هایی مانند موکول شدن تجویز اعمال صلاحیت دیوان نسبت به این جنایت به سال ۲۰۱۷ و امکان دخالت شورای امنیت در امر احراز عمل تجاوز کارانه باعث شده است اصلاحیه راجع به اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی بر جنایت تجاوز از قوت لازم برخوردار نباشد (موسی‌زاده و فروغی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۷)؛ (Mosazadeh & Foroghi Nia).

در مقاله با موضوع چالش‌های حقوقی گسترش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی به جنایت تجاوز نگارنده بر این عقیده است که بین اصلاح اساسنامه جهت افزودن مقررات لازم برای اعمال صلاحیت دیوان درخصوص جنایت تجاوز، به شکلی مبهم تدوین شده است و از این رو، مقررات مربوط به جنایت تجاوز که در کنفرانس کامپالا پذیرفته شدند نیز از بعضی جهات مبهم و یا با اساسنامه دیوان در تعارض هستند. از همه مهم تر این که آیین لازم الاجرا شدن اصلاحیه های کامپالا آن گونه که در این اصلاحیه ها پیش بینی شده، با آنچه در خود اساسنامه پیش بینی شده در تعارض است (سودمندی، ۱۳۹۵: ۴۵)؛ (Sodmandi, 2017: 45).

در مقاله‌ای با موضوع «رابطه شورای امنیت سازمان ملل متحد با دیوان کیفری بین‌المللی در زمینه جنایت تجاوز سرزمینی»، بیان می‌گردد که «اقدامات کمیسیون حقوق بین‌الملل به سال ۱۹۷۴ طی قطعنامه ۳۳۱۴ به ثمر نشسته و تجاوز (عمل تجاوز کارانه) تعریف گردیده است. اما این تعریف که پیش نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری^۱ و پیش نویس مقدمه اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری^۲ موقوف به آن شده بود، تا پایان جنگ سرد چندان موثر نیفتاد.» با اتمام جنگ سرد تلاش‌ها در این مسیر مجدداً شروع گردید، بالاخره در سال ۱۹۹۴ دستور کار تغییر نمود و دو سند مذکور ادغام گردید که عمل تجاوز کارانه به عنوان یک جنایت بین‌المللی هر چند مشروط در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار گرفت» (دارابی‌نیا و فروغی‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۴۲)؛ (Darabi Nia & Foroghi Nia: 2015, 142).

در کتابی با نام تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی نویسنده بر این عقیده است که «اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ماده خاصی در مورد عنصر مادی ندارد؛ پیش نویس نهایی اساسنامه در ماده ۲۸ به عنصر مادی پرداخته بود، اما عدم توافق در مورد ترک فعل و مشکل در احراز رابطه سببیت در آن موجب گردید که این امر در اساسنامه مسکوت گذارده شود.» با این حال ماده ۳۰ اساسنامه، در بندهای دوم و سوم، به پیروی از سیستم کامن‌لا، به سه بخش عنصر مادی^۳، یعنی عمل فیزیکی، شرایط و اوضاع احوال لازم برای تحقق جرم و نتیجه اشاره کرده است و بر لزوم قصد یا علم در هر سه بخش عنصر مادی تاکید می‌کند» (Klarekson & Keristofor, 2019: 43).

در مقاله‌ای با موضوع حمله مسلحانه و ماده ۵۱ منشور ملل متحد نویسنده بیان می‌دارد که «با توجه به اینکه مصادیق دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل مطلق به شمار نمی‌آیند از این رو لازم است تجاوز ثابت شود که اثبات این عمل نیز بسیار دشوار است و حتی در صورتی که پیش زمینه یک

¹. Draft Code of Crimes against the Peace and Security of Mankind

². Draft Statute for an International Criminal Tribunal introduction

³. Actus Reus

⁴. Armed Attack and Article 51 of UN Charter

تجاوز نیز صورت پذیرد دلیلی بر اثبات عمل تجاوز نیست چون این عمل می‌تواند از سمت متجاوز قبل از اقدام صرف نظر شود. البته در ادامه بیان می‌شود که در صورتی که تهدیدی احساس شود و سه شرط شدت، عدم امکان انتخاب وسیله و تقدم بر حمله» (Tom, 2010: 570).

در نهایت می‌توان علارغم اینکه از زمان بازنگری اساسنامه پژوهش‌های فراوانی با رویکرد به موضوع پرداخته شده است، لیکن عمده پژوهش‌ها به بررسی چالش‌ها و ایرادات و همچنین اختلاف نظرات و رویکردها نسبت به تعریف جنایت تجاوز پرداخته شده است، اما در این پژوهش به طور اخص رکن مادی جرم جنایت را با توجه به اساسنامه بررسی نموده است و به نوعی رویکردی متفاوت از سایر پژوهش‌ها که به طوری کلی و ابعاد مختلف اساسنامه رو بررسی نمودند در نظر داشته است.

۲- چارچوب مفهومی

با توجه به بند ۲ ماده ۵ اساسنامه، صلاحیت در رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایت تجاوز ملزم به رعایت دو شرط شده است، تعریف جنایت تجاوز و شرایط اعمال صلاحیت دیوان نسبت به این جنایت تصویب شده است که این مقررات باید سازگار با مقررات منشور ملل متحد باشد مشخص گردید.

با توجه به اینکه این موافقت نامه ۱۲ سال مذاکره را در پی داشته است اما اجرای اصلاحات صورت گرفته به سال ۲۰۱۷ موکول شده است و به نوعی ایستایی و پویای آن را به سال ۲۰۱۷ واگذار نمودند. جنایت تجاوز واجد سه عنصر قانونی، مادی و روانی برای شناخت به عنوان یک جنایت بین‌المللی می‌باشد، که عنصر قانونی آن بدون تغییر و تحت عنوان ماده ۸ مکرر مورد تصویب قرار گرفته است. در عنصر مادی که شامل سه قسمت است، تعریف عام تجاوز- تعریف اقدام تجاوز کارانه و در نهایت مصادیق اقدامات تجاوز کارانه بیان گردیده است. و در بیان عنصر روانی نیز در ماده ۳۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، قصد به علاوه علم را از شرایط این عنصر بیان نموده است.

حال با توجه به محوریت بحث که در باب عنصر مادی جنایت تجاوز است اساسنامه بدین گونه بیان می‌نماید که:

ماده ۸ مکرر اساسنامه در مورد عنصر مادی جنایت تجاوز مقرر می‌دارد: منظور از «جنایت تجاوز» در این اساسنامه، برنامه‌ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای عمل تجاوز کارانه از سوی شخصی

¹. Crime of Aggression

². Planning

³. Initiation

⁴. Execution

است که در مقامی است که می‌تواند به نحوی موثری عمل سیاسی یا نظامی یک دولت را کنترل یا هدایت کند و ماهیت، شدت و گستره آن عمل تجاوز کارانه، موجب نقض آشکار منشور ملل متحد می‌شود.

با توجه به اصلاحات انجام شده در نشست کامپالا در سال ۲۰۱۰ میلادی و تعریف جنایت تجاوز در قالب ماده ۸ مکرر در این پژوهش به دنبال آن هستیم تا رکن مادی جنایت تجاوز را در بر اساس اصلاحات سال ۲۰۱۰ بررسی کنیم. همان‌طور که می‌دانیم رکن مادی هر جرمی متشکل از رفتار فیزیکی، شرایط و اوضاع و احوال و نتیجه مجرمانه و قابلیت انتساب آن به مرتکب است. بر اساس این روش مرسوم در خصوص تحلیل رکن مادی، در این پژوهش بر اساس سه عنصر مورد اشاره، رکن مادی جنایت تجاوز را در پرتو اصلاحات سال ۲۰۱۰ ارزیابی خواهیم کرد..

در نهایت باید این را نیز بیان نمود که، تصمیمات گرفته شده در راستای شرایط اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایت تجاوز در کنفرانس بازنگری اساسنامه یک روند متفاوت و مستقلی نسبت به جنایات دیگر در صلاحیت دیوان به وجود آورده است که همین مسله باعث بروز نقاط ضعف و مبهمی شده است که به طور کلی این ابهامات و کاستی‌ها شامل موارد ذیل است:

اولین ابهام در بند ۵ ماده ۱۵ مکرر است که برای رسیدگی به جنایت تجاوز می‌بایست هر دو کشور عضو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی باشند، که این موضوع در سایر جنایات صرفاً به عضویت یکی از طرفین بسنده نموده است.

یکی دیگر از ابهامات در شرایط اعمال صلاحیت در بند ۵ ماده ۱۲۱ اساسنامه است که تفسیرهای فراوانی را در باب تصویب اساسنامه و اصلاحات آن و همچنین گذشت یکسال زمان لازم از زمان تصویب به وجود آورده است.

۳- تاریخچه

کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در کامپالا- اوگاندا از ۳۱ می تا ۱۱ ژوئن ۲۰۱۰ چندین سال پس از جلسات مذاکرات نمایندگان دول در مراحل اولیه برگزار شد، و بعد از حدوداً نیمی از ماه ژوئن که جلساتی به صورت فشرده برگزار گردید علاوه بر اینکه جنایت تجاوز و همچنین چگونگی اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی بر جنایت مزبور تعریف مشخصی گردید، اصلاح اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در باب جنایت تجاوز تصویب شد.

تعریف جنایت تجاوز، تعیین شرایط اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی و به طور کلی، پیش‌بینی این جنایت در اساسنامه دیوان مزبور بسیار ارزشمند است، لیکن برخی ابهامات درباره تعاریف صورت گرفته و محدودیت‌هایی مانند موکول شدن تجویز اعمال صلاحیت دیوان نسبت به این جنایت به سال ۲۰۱۷ و امکان دخالت شورای امنیت در امر احراز عمل تجاوز کارانه باعث

شده است اصلاحیه راجع به اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی بر جنایت تجاوز از قوت لازم برخوردار نباشد.

از طرفی برای مشخص شدن اقداماتی که می‌تواند بیانگر برنامه‌ریزی یک عمل تجاوزکارانه از سوی یک دولت باشد به موارد ذیل که نشانگر برنامه دولت سابق عراق برای تجاوز به خاک ایران است، می‌شود اشاره نمود: اطلاع‌رسانی روزنامه جمهوری‌یه چاپ بغداد در مورد آغاز به کار فرستنده رادیویی جدید در بصره که منحصراً برای استان خوزستان ایران برنامه پخش خواهد کرد، هم‌زمان تلویزیون بصره در پشت سر گویندگان خود نقشه جدیدی از عراق را قرار داده بود که در آن استان خوزستان با عنوان استان عربستان جز خاک عراق محسوب می‌شد. «از موارد دیگر می‌توان به ادعای دولت صدام حسین مبنی بر تشکیل اتحادیه عرب اشاره کرد که بنیان‌گذار حزب بعث بیان کرده بود در هر کجا که ملت عرب به کشورهای مختلف تجزیه یا بدون سرزمین شده یا موجبات ایجاد یک کشور مصنوعی ساختگی فراهم گردیده است می‌بایست تا اتصال این قطعات به یکدیگر و تشکیل امپراتوری یکپارچه و طبیعی عرب جنگید (زمانی، ۱۳۹۵: ۲۶)؛ (Zamani, 2015: 26).

۴- رفتار فیزیکی، شرایط و نتیجه جنایت تجاوز ارضی

۴-۱- رفتار فیزیکی جنایت تجاوز

تحقق رفتار مجرمانه برای مسئولیت کیفری الزامی است؛ بدین معنی که مطابق اصول حقوق کیفری صرف اندیشه مجرمانه قابل تعقیب نمی‌باشد هر چند این افکار در مورد جنایت‌های دهشتناک باشد. این اصل در حقوق کشور ما نیز پذیرفته شده است (اصل ۲۳ ق. ۱ و ماده ۱۲۳ ق. م. ۱ جدید). اما با شروع به اجرای کردن قصد مجرمانه امکان تعقیب و محاکمه امکان پذیر می‌شود. رفتار مورد نیاز برای تحقق عنوان مجرمانه از جرمی به جرم دیگر متفاوت می‌باشد؛ حسب مورد می‌تواند فعل، ترک فعل یا فعل ناشی از ترک فعل باشد.

مطابق بند الف ماده ۸ مکرر عنصر مادی جنایت تجاوز برنامه‌ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای یک عمل تجاوزکارانه می‌باشد؛ «مصادیق مذکور کاملاً از منشور لندن اقتباس شده است که هدف منشور فوق‌الذکر مورد مجازات قرار دادن تمامی دست‌اندرکاران جنایتکار نازی در جنگ دوم جهانی بود (Sean, 2014: 14). به عبارت بهتر ماده مذکور فرایند برنامه‌ریزی یک عمل تجاوزکارانه را جرم‌انگاری کرده است: توضیح اینکه برنامه‌ریزی یک عمل تجاوزکارانه فرایند مقطعی نیست، بلکه فرایندی عامی است که از دوازده مرحله تشکیل می‌شود مطابق این فرایند افراد طراح، با آگاهی از فرصت‌ها و بررسی وضعیت موجود برای رسیدن به مطلوب، مسیر رسیدن به اهدافش را مشخص

¹. Preparation

². Act of Aggression

می‌نمایند (Isdore Ozuo, 2019: 116).

عمل تجاوز کارانه از سوی یک دولت از جمله مواردی است که نیازمند برنامه‌ی مشخص برای رسیدن به مطلوب می‌باشد؛ این امر تنها از سوی رهبران سیاسی کشور می‌تواند انجام شود اما از آنجا که استفاده از نیروی نظامی نیازمند تخصص و مهارت خاصی است در هر حال سران نظامی کشور نیز در این فرایند حضور می‌یابند. «در نگاه اول ظاهر عبارات مرقوم شده در متن ماده این طور تبادر می‌نماید که دو مورد اول یعنی: برنامه‌ریزی و تدارک از سوی سران سیاسی کشور انجام می‌پذیرد و دو مورد دوم از طرف فرماندهان نظامی رده بالای کشور که در انجام برنامه سران سیاسی با آن‌ها همکاری می‌نمایند» (Luboslav, 2018: 1345). اما به نظر می‌رسد طراحان سیاسی به دنبال خروجی اعمال خود هستند و در امور اجرای نیز دخالت می‌کنند؛ بنابراین افراد سیاسی حتی در آخرین مرحله فرایند برنامه‌ریزی شده: یعنی اجرای عمل تجاوز کارانه حضور دارند و پیشرفت کار را پیگیری می‌کنند، همچنین عمل تجاوز کارانه از سوی قوای نظامی صورت می‌گیرد. که جنبه نظامی برنامه‌ریزی و تدارک از سوی آن‌ها صورت می‌گیرد. بنابراین هر یک از افراد فوق‌الذکر ممکن است به هر چهار رفتار مذکور محکوم گردند. بنابراین برای اینکه سران سیاسی و نظامی یک کشور قابل تعقیب به عنوان جنایت تجاوز در دیوان بین‌المللی کیفری باشند لزوماً باید حداقل در یکی از مراحل فرایند مذکور حضور داشته باشند.

۴-۱-۱- رفتار فیزیکی برنامه‌ریزی جنایت تجاوز

فرایند برنامه‌ریزی به معنی فکر کردن؛ و سازماندهی کردن فعالیت‌های مورد نیاز برای رسیدن به هدف مورد نظر است، که مستلزم ایجاد و نگهداری یک برنامه در طول زمان می‌باشد؛ و یک عنصر ذاتی برای اقدامات هوشمندانه تلقی می‌گردد. «به عبارت ساده تر، فرایند برنامه‌ریزی یعنی ارائه راه کار برای عملیات آینده که متضمن نتایج معین با هزینه‌ی مشخص و دوره زمانی معلوم می‌باشد» (Noah, 2010: 12). «بنابراین برنامه‌ریزی یک عمل تجاوز کارانه غیر از برنامه‌ریزی به عنوان مقدمه جرم است که این قاعده در اساسنامه دیوان هم پذیرفته شده است (ماده ۸ مکرر الحاقی ۲۰۱۰) به عبارت دیگر برنامه‌ریزی برای عمل تجاوز کارانه یک عنصر ذاتی می‌باشد (Joachim, 20013: 45) یعنی «منظور از برنامه‌ریزی در ماده ۸ مکرر دیوان بین‌المللی کیفری، ساخت برنامه‌های بلند مدت و ترتیبات برای راه انداختن جنگ تجاوز کارانه یا عمل تجاوز کارانه در آینده می‌باشد (Parszadehm & Ostovar, 2021: 165).

به نظر می‌رسد رفتار فیزیکی برنامه‌ریزی (طرح تهیه برنامه برای یک جنگ تجاوز کارانه) هم به صورت فعل مثبت از طرف سران سیاسی و نظامی است، که «معمولاً در گذشته برای کشورگشای، بدست آوردن منافع مالی، تصرف سرزمین‌های دارای موقعیت اقتصادی، حذف رقیب بین‌المللی ... انجام می‌پذیرفت، هم به صورت ترک فعل می‌باشد که مهم‌ترین ویژگی آن وجود تکلیف

قانونی برای انجام وظیفه خاص می‌باشد» (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۵: ۱۷۴)؛ (Mir Mohammad Sadeghi, 2017: 174). در منشور سازمان ملل ممنوعیت تجاوز برای اعضای جامعه تکلیف شده است. بنابراین در صورتی که سران سیاسی یا نظامی موثر در امور یک کشور پس از آن که برنامه‌ریزی یا تدوین سیاست آغاز کردن یک عمل تجاوز کارانه یا به اجرا در آوردن یک عمل تجاوز کارانه مطلع گردد و در این صورت چنانچه از این کار خودداری نکند به صورت ترک فعل در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری عمل تجاوز کارانه داخل می‌شوند. در کشورهای که به صورت دوره‌ای اداره می‌شود در صورتی که برنامه تدوین شده به دوره حکومت دولت دیگر کشیده شود و فرد اخیرالذکر مخالفتی با آن ننماید به عنوان تارک فعل قابل تعقیب خواهد بود (ضمیمه دوم ماده ۸ مکرر، ۲۰۱۰). در این مورد «می‌توان به پرونده فرماندهان عالی رتبه اشاره کرد که دادگاه نظامی ایالات متحده چنین اعلام عقیده نمود پاره‌ای اوضاع و احوال خاص، ترک فعل یا خودداری از انجام عمل ممکن است درست مانند مداخله فعالانه موجب مسئولیت کیفری متهم گردد» (ساک کیتی شیازری، ۱۳۹۶: ۴۳۶)؛ (Sak Kitty Shizari, 2016: 436). «در نهایت آگاهی از نیت مقامات یک کشور پس از وقوع اقدام تجاوز کارانه به نظر کار دشواری نمی‌آید چه آن که برای نیل به این هدف یعنی تجاوز، ماه‌ها تدارک و برنامه‌ریزی از جمله افزایش خریدهای تسلیحاتی نیاز است و بدون یک تصمیم قاطع از جانب بالاترین مقامات حکومت چنین عملی صورت نخواهد گرفت. برای تقریب ذهن باید توجه داشت که ممکن است طراحی و برنامه‌ریزی برای اقدام تجاوز کارانه از سوی اشخاصی صورت بگیرد که سطح مسئولیت آن‌ها کمی پایین‌تر باشد نسبت به مقامات عالی رتبه یک دولت مانند وزیر دفاع نسبت به نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور، در حالی که او هم در موقعیتی که مد نظر اساسنامه جهت مسئولیت کیفری نسبت به تجاوز است دارا می‌باشد» (Kerb, 2018 : 116).

۴-۱-۲- تدارک و مقدمات عمل تجاوز کارانه

در طول فرایند برنامه‌ریزی، به دنبال تعیین هدف، انتخاب بدیل‌ها می‌باشد، با این انتخاب برنامه تدوین شده کامل می‌گردد؛ «در فرایند برنامه‌ریزی یک عمل تجاوز کارانه دومین مرحله تدارک ابزار و امکانات لازم برای یک عمل تجاوز کارانه می‌باشد یعنی پس از پایان مرحله برنامه‌ریزی به عنوان اولین مرحله عمل تجاوز کارانه، مرحله آماده‌سازی یک عمل تجاوز کارانه آغاز می‌شود» (Kurt Adamson, 2004: 44). تهیه مقدمات عمل تجاوز کارانه در چند جبهه صورت پذیرد: اولین اقدام یا برنامه فرعی، آماده‌سازی دیپلماتیک می‌باشد، هیچ کشوری بدون بهانه مشروع و قانونی اقدام به استفاده از نیروی‌های نظامی نمی‌کند یا حداقل پس از ممنوعیت جنگ استفاده ننموده است. «همیشه مقدمه چینی دیپلماتیک در این مورد انجام گرفته است به عنوان نمونه به تفسیر موسع

¹. High command Case

امریکا از قطعنامه شورای امنیت برای تهاجم نظامی به عراق در قرن بیست یکم می‌توان اشاره نمود) قطعنامه ۱۴۴۱ شورای امنیت، (۲۰۰۲) یا تلاش دیپلمات‌های آلمان نازی برای فریب افکار عمومی مبنی بر اینکه هیتلر قصد جنگ تجاوزکارانه ندارد». (Larry, 2015: 180) دومین برنامه فرعی برای تدارک یک عمل تجاوزکارانه استخدام نیروی انسانی کافی برای به کارگیری در عملیات نظامی است، در این مورد «می‌توان به محکومیت رئیس امور جوانان آلمان نازی برای تحریک جوانان آلمان به پیوستن به هیتلر و حمایت از افکار او اشاره کرد (نپورت، ۱۳۹۹: ۷۳)؛ (Neport, 2020: 73). مهم‌تر از دو مورد مذکور، تهیه مهمات نظامی برای انجام یک عمل تجاوزکارانه سومین برنامه فرعی، تدارک می‌باشد. «در این زمینه می‌توان تاسیس کارخانجات اسلحه‌سازی، خرید سلاح نظامی، انعقاد قرارداد خرید سلاح از دیگر کشورها اشاره کرد که در مجموع برای اجرای برنامه طرح ریزی شده انجام می‌شود». (Tom, 2010: 570) بدیهی است موارد فوق در صورتی که به وسیله افراد سیاسی و نظامی موثر در کنترل یا هدایت کشور انجام شود با اثبات عنصر معنوی قابل تعقیب برای جنایت تجاوز در دیوان خواهند بود. «این موضوع در ماده ۸ کنوانسیون شیکاگو موسوم به کنوانسیون هواپیمایی بین‌المللی (۱۹۹۴) در منع پرواز هواپیمای بدون خلبان مگر با کسب اجازه قبلی را جزء اصول ناظر بر هوانوردی دانسته است و همچنین در ماده ۳۵ نیز حمل مهمات و وسایل مغایر با نظم عمومی را ممنوع نموده است» (موسی‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۲۲)؛ (Mosazadeh, 1997: 122). «موارد دیگری که در این زمینه می‌توان اشاره کرد: «پروازهای اطلاعاتی نظامی و تاکتیکی، حضور مداوم در سرزمین‌های دریای و آمادگی زیر دریای تهیه سلاح‌های اتمی، تبلیغات مخالف با صلح می‌باشد» (آزمایش، ۱۳۹۸: ۱۳۹)؛ (Azmayesh, 2019: 139). بنابراین به نظر می‌رسد رفتار فیزیکی تدارک به صورت فعل مثبت صورت می‌پذیرد.

۴-۱-۳- آغاز جنایت تجاوز

در ادامه فرایند برنامه‌ریزی یک عمل تجاوزکارانه به دنبال تدوین برنامه و تهیه مقدمات لازم، اجرای آن می‌باشد، در این مرحله ابتدا به سامان‌دهی ابزار و وسیله‌های تهیه شده می‌پردازند؛ سپس تنظیم تفصیلی توالی فعالیت‌ها و جداول زمان بندی جزئیات اینکه فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده در کجا، توسط چه کسی و در چه زمانی باید انجام شود به طور مناسب تنظیم می‌گردد و بر اساس این اقدامات، عملیات نظامی آغاز می‌گردد. به نظر می‌رسد رفتار فیزیکی آغاز عمل تجاوزکارانه به صورت فعل مثبت انجام می‌پذیرد. در واقع رفتار فیزیکی در این مرحله دستور دادن به این که چگونه اقدامات تدارک دیده شده به اجرا گذاشته شود؛ یا تعیین زمان استراتژیک یا شیوه دقیق برای اجرای آنچه برنامه‌ریزی و آماده شده است، می‌باشد؛ کما اینکه ظاهر ماده ۸ مکرر اساسنامه نیز متضمن این تفسیر است.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود اینکه آیا همه مداخله کنندگان در اجرای عمل تجاوزکارانه

قابل تعقیب هستند؟ یا باید بین آمر و مأمور تفکیک قائل شویم؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان این گونه بیان نمود که مسئولیت جنایت تجاوز محدود به افراد نظامی و سیاسی موثر در هدایت و کنترل دولت گردیده است به عبارت بهتر تنها فرماندهان ارشد و مافوق در این جنایت مسئول و قابل تعقیب کیفری هستند؛ افراد عادی و نظامیان مادون را نمی‌توان به ارتکاب جنایت تجاوز تعقیب نمود: «توضیح اینکه مسئولیت مقام مافوق دارای دو مفهوم مختلف در حقوق کیفری است: نخست مسئولیت مستقیم فرمانده در مقابل دستوراتی که به طور غیر قانونی صادر می‌کند و دوم: مسئولیت کیفری قابل انتساب به مافوق در قبال رفتار غیر قانونی زیر دست که بر اساس دستورات مافوق نیستند» (آقای جنت مکان، ۱۴۰۰: ۶۶)؛ (Aghaee J. Makan: 2021: 66) هر چند رفتار مادی قسمت دوم به صورت ترک فعل است ولی این مورد شامل جنایت تجاوز نمی‌گردد. فرمانده مجری عمل تجاوزکارانه برای قابل تعقیب بودن نسبت به جنایت تجاوز باید یکی از سران سیاسی و نظامی موثر در حکومت باشد و افراد زیر دست قابل تعقیب نخواهند بود. با این حال در صورت کوتاهی در اقدامات نیروی تحت کنترل، در صورتی که منجر به نقض مقررات بین‌المللی گردد ممکن است در صورت تحقق سایر شرایط به صورت ترک فعل به سایر جرایم در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری محکوم شود. بنابراین رفتار فیزیکی آغاز عمل تجاوزکارانه با صدور دستور حمله نظامی به قلمرو دولت دیگر می‌باشد. «لازم به ذکر است که صدور دستور مذکور با صدور دستور در بند الف و ب شماره ۳ ماده ۲۵ متفاوت می‌نماید: دستور آغاز عمل تجاوزکارانه یک عنصر ذاتی برای جنایت تجاوز است (Joachim, 2013: 45).

لازم به ذکر است که موضوع آغاز تجاوز در نوع خود یک ابتکار می‌باشد چرا که در ماده ۱۶ پیش نویس جرایم علیه صلح و امنیت بشری ۱۹۹۶، تجاوز فقط قابل ارتکاب از جانب دولت‌ها بود چه آن که اقدام تجاوزکارانه به وسیله قواعد حقوق بین‌الملل به عنوان عملی توسط دولت علیه دولت دیگر ممنوع شده است. اما چنانچه از متن بند ۱ ماده ۸ به دست می‌آید به تعریف تجاوز به عنوان جرم ارتكابی از سوی افراد می‌پردازد.

۴-۱-۴- اجرا و بهره برداری از جنایت تجاوز

آخرین مرحله در فرایند برنامه‌ریزی عمل تجاوزکارانه اجرای برنامه‌های تنظیم شده در کشور مورد تجاوز یا بهره برداری از اقدامات صورت گرفته است. به عبارتی دیگر مطابق برنامه‌ریزی‌های مدیریتی، موفقیت یک برنامه با نتایج به دست آمده از آن سنجیده می‌شود بنابراین پیش بینی چگونگی پیگیری کافی برای تعیین انطباق عملکرد با برنامه و نتایج به دست آمده مورد انتظار، جز لاینفک فرایند برنامه‌ریزی می‌باشد. «بنابراین اجرای عمل تجاوزکارانه یک مرحله بعد از شروع عمل تجاوزکارانه است و در این مرحله انگیزه و هدف اصلی از عمل تجاوزکارانه مدیریت می‌گردد. با توجه به مطالب فوق‌الذکر مهم‌ترین مرحله برای رسیدن به اهداف طراحی شده مرحله چهارم است، از جمله مواردی که در محکمه نورنبرگ به آن اشاره گردید امضای حکم تغییر وضعیت قانونی

سرزمین اشغال شده، ضمیمه لهستان به رایش، انتصاب فرماندار برای لهستان، سوء استفاده از منابع موجود در سرزمین‌های اشغال شده برای ادامه برنامه، تغییر کاربری اقتصادی برای استخراج منابع مورد نیاز به ادامه جنگ در سرزمین‌های اشغالی است. (Larry, 2015: 165) بنابراین رفتار فیزیکی این مرحله از فرایند برنامه‌ریزی عمل تجاوز کارانه رضایت مجریان سیاسی و نظامی است؛ به عبارت دیگر سیاست گذاری در مناطق اشغال شده رفتار فیزیکی این مرحله می‌باشد که به صورت فعل مثبت انجام می‌گیرد: «افراد سیاسی که برای مدیریت مناطق اشغال شده همانند فرماندار لهستان بعد از اشغال توسط آلمان در جنگ دوم جهانی برگزیده می‌شوند (نپورت، ۱۳۹۹: ۱۳)؛ (Neport, 2020: 13)، به عبارتی «دقیق‌تر عهده داری برخی رفتار در اجرای عمل تجاوز کارانه علیه دولت دیگر، جنایت تجاوز محسوب می‌شود» (Beth, 2012: 147)؛ که با فعل مادی مثبت صورت می‌پذیرد. در نهایت میتوان اینگونه بیان داشت که «نگاه یک رویکرد بر این پایه استوار بود که، تنها یک شخص می‌تواند به عنوان مسئول تجاوز از ضعیف معین گردد، اما به نظر می‌رسد حتی اگر برنامه ارتکاب اقدام تجاوز کارانه توسط یک شخص ایجاد گردد، اجرای آن متضمن مداخله تعدادی از اشخاص خواهد بود. بر این اساس هیتلر نمی‌توانست به تنهایی یک جنگ تجاوز کارانه را هدایت کند، او با سیاستمداران، رهبران نظامی، دیپلمات‌ها و فعالان اقتصادی همکاری داشته است و لذا در صورت پیوست عامدانه آن‌ها به این برنامه، نمی‌توان آن‌ها را بی‌گناه فرض کرد. ۱ لذا با توجه به ماهیت خاص اقدام تجاوز کارانه به نظر می‌رسد ارتکاب آن به تنهایی امکان پذیر نمی‌باشد و جز بر پایه همکاری اشخاص متصور نیست، اما آنچه مهم است، نحوه همکاری اشخاص در این مسیر ارتکاب پیچیده می‌باشد» (Dominika, 2014: 23).

۴-۲- شرایط و اوضاع و احوال

۴-۲-۱- شخص حقیقی بودن مرتکبین جنایت تجاوز

مرتکبین جنایت تجاوز بر اساس تعریف ارائه شده در بند اول ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان اشخاص حقیقی باید باشند. بند مذکور تفاوت اساسی با ماده یک قطعنامه ۳۳۱۴ و سایر تعاریف غیر رسمی که قبل از آن برای عمل تجاوز ارائه شده است، دارد. اولین کنوانسیون تعریف جنگ تجاوز کارانه: تعریف پیشنهادی شوروی در ۶ فوریه ۱۹۳۳ و ماده ۱ قطعنامه ۳۳۱۴، عمل تجاوز کارانه را تعریف کرده‌اند (نه جنایت تجاوز را)؛ اما ماده ۸ مکرر برای اولین بار بین عمل تجاوز کارانه که رفتاری است که توسط دولت صورت می‌گیرد و مسئولیت دولت (شخص حقوقی) را به دنبال دارد و جنایت تجاوز که توسط افراد (شخص حقیقی) محقق می‌شود و منجر به مسئولیت کیفری فردی می‌گردد، تفکیک کرد و در بند یک جنایت تجاوز و بند دو عمل تجاوز کارانه را تعریف نمود.

بنابراین دیوان بین‌المللی کیفری برای اعمال صلاحیت نسبت به جنایت تجاوز با مشکل مواجه نمی‌شود چه مطابق بند ۱ ماده ۲۵ اساسنامه، دیوان فقط به جرایم اشخاص حقیقی صلاحیت دارد و

طبق بند ۱ ماده ۸ مکرر مرتکب جنایت تجاوز شخصی (شخص حقیقی) است که در مقامی است که می‌تواند به نحوی موثری عمل سیاسی یا نظامی یک دولت را کنترل یا هدایت کند. در حالی که عمل تجاوز کارانه به دلیل مخالف بودن با بند ۱ ماده ۲۵ که یکی از ایرادات وارده شده در کنفرانس رم بود، قابل رسیدگی در دیوان نمی‌باشد. نتیجه بحث اینکه نه تنها دیوان صلاحیت رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی ندارد، عنصر مادی جنایت تجاوز بر خلاف عمل تجاوز کارانه هم تنها از سوی اشخاص حقیقی قابل تصور است.

۴-۲- عمل تجاوز کارانه بودن

فرایند برنامه‌ریزی تنها در صورتی قابل تعقیب و مجازات در دیوان بین‌المللی کیفری خواهد بود که برای یک عمل تجاوز کارانه صورت بگیرد؛ یعنی اقدامی مسلحانه از سوی یک کشور علیه حاکمیت، استقلال و تمامیت سرزمینی یک کشور دیگر انجام شود. در غیر این صورت، جنایت تجاوز نخواهد بود. بحثی که در اینجا قابل طرح به نظر می‌رسد اینکه «در منشور سازمان ملل متحد به جای جنگ تجاوز کارانه که نیازمند تعریف تکنیکی دقیق بود استفاده از زور به کار رفت. علت این امر اختلاف نظر در مفهوم جنگ تجاوز کارانه بود که دولت‌ها با انکار وجود جنگ، روابط خصمانه و مسلحانه خود را تحت عناوین دیگر رهبری می‌کردند، (مسائلی و ارفعی، ۱۳۷۱: ۳۰)؛ (Masaeli & Arfaee, 1972: 30)، علاوه بر این برای اولین بار در منشور سازمان ملل تهدید به استفاده از زور نیز ممنوع اعلام گردید. به عبارت دیگر با آوردن این بند ممنوعیت دوگانه در منشور سازمان ملل ایجاد شد: تهدید به استفاده از زور و استفاده از زور؛ که ممنوعیت تهدید به استفاده از زور برای خویشتن داری و پرهیز از هر گونه اقدام تحریک آمیز بالقوه می‌باشد که ممکن است منجر به تباهی گردد می‌باشد (Nicholas, 2012: 15).

به دنبال این مصوبه حقوق دانان حقوق بین‌الملل در تفسیر مفهوم توسل به زور اختلاف نظر کردند. «دسته اول اعتقاد بر این دارند که توسل به زور تنها زوری است که با اسلحه اعمال می‌شود اما گروه دوم علاوه بر آن اعمال روش‌های غیر مسلحانه را نیز توسل به زور می‌دانند. به نظر می‌رسد از آنجا که اهداف اصلی و غایی بند ۴ ماده ۲ منشور غیر قانونی اعلام کردن و ممنوع ساختن جنگ بوده است؛ اما کوشش‌های انجام شده جهت ممنوعیت جنگ با ادعای دولت‌ها مبنی بر عدم اطلاق جنگ به عملکرد خود مواجه می‌گردید، برای رفع این نقصان توسل به زور ترجیح داده شد» (عسگری و خسروی، ۱۳۹۵: ۲۴۳)؛ (Asgari & Khosravi, 2016: 243). به عبارت دیگر به نظر می‌رسد نمی‌توان لفظ توسل به زور را در معنای وسیع آن یعنی اعم از مسلحانه و غیر مسلحانه تفسیر کرد.^۱

با پذیرفتن این نظر و با توجه به این که منشور سازمان ملل علاوه بر توسل به زور تهدید به

۱. جهت مطالعه بیشتر در خصوص این ماده ر.ک. (Sayapin, 2014: 100-102).

استفاده از زور را نیز ممنوع اعلام کرده است سؤالی که پیش می‌آید اینکه آیا اساسنامه که به تهدید به عمل تجاوز کارانه اشاره نکرده است نسبت به منشور سازمان ملل پس روی دارد؟ در این صورت قسمت اول ماده مذکور با قسمت آخر آن معارض نخواهد بود؟

در پاسخ به سؤالات فوق باید بگوییم در حقوق بین‌الملل تهدید به توسل به زور یا عمل تجاوز کارانه در صورتی قابل تحقق می‌باشد که برنامه‌ریزی و تدارک لازم برای انجام تهدید مهیا شده باشد. به عبارت دیگر تهدید یک مرحله بعد از برنامه‌ریزی است. پس در صورت تهدید کشوری توسط کشور دیگر دیوان می‌تواند به عنوان مرجع صالح به رسیدگی وارده عمل شود و نسبت به اقدامات صورت گرفته تحقیقات خود را آغاز نماید. بنابراین ماده ۸ مکرر با منشور سازمان ملل در این قسمت به لحاظ ماهیت اختلافی ندارد فقط از لحاظ نگارشی متفاوت می‌باشند. اما از آن جا که جنایت تجاوز مقید به نتیجه است. دیوان تهدید به عمل تجاوز کارانه را در صورت تحقق عمل مزبور به عنوان مثبت فرایند برنامه‌ریزی عمل تجاوز کارانه می‌تواند مورد استناد قرار دهد. ولی برنامه‌ریزی و... تهدید به عمل تجاوز کارانه نمی‌تواند جنایت تجاوز تلقی گردد.

۴-۲-۳- عضو دولت بودن

بند یک ماده ۸ مکرر به طور صریح تحقق جنایت تجاوز را تنها از سوی افرادی که در یک دولت سمت دارند یا عضو دولت یک کشور هستند قابل تصور می‌داند. «بنابراین افراد غیر دولتی، از جمله اشخاصی که رهبری یک گروه تروریستی، رهبری شورشیان را بر عهده دارند حتی اگر آن‌ها در کنترل یک کشور دخالت و نفوذ قابل توجهی بر رفتار دولت داشته باشند را در بر نمی‌گیرد (Murphy, 2014: 13) از عبارت عمل سیاسی یا نظامی استنباط می‌گردد که از میان افراد داخل در دولت یک کشور تنها افراد سیاسی و نظامی دخیل در جنایت تجاوز قابل محاکمه در دیوان بین‌المللی کیفری می‌باشند و بر خلاف اساسنامه نورنبرگ صنعتگران، اقتصاددانان، سرمایه داران، رئیس گروه‌های مذهبی و سایر افراد موثر در تحقق جنایت تجاوز که دارای سمت سیاسی یا نظامی در دولت نمی‌باشند را شامل نمی‌گردد.

۴-۲-۴- شخص نظامی و سیاسی موثر در حکومت

عضو دولت بودن مرتکبان جنایت تجاوز لازم است اما کافی نیست، بلکه باید عضوی موثر در حکومت باشد: یعنی تنها اعضای سیاسی و نظامی موثر در حکومت کشور متجاوز قابل تعقیب خواهند بود. «به عبارت دیگر مسئولیت کیفری فردی جنایت تجاوز محدود به سران دولت یا افراد در موقعیت رهبران می‌باشد» (Juris, 2016: 139). «بر خلاف سایر جرایم در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری یعنی جنایت نسل‌کشی، جنایت جنگی^۱ و جنایت علیه بشریت مرتکبین جنایت

¹. Individual Criminal Responsibility

². War Crimes

تجاوز محدود به افراد سیاسی و نظامی موثر در یک دولت است» (Robert, 2010: 722). این تفاوت به این دلیل است که هدف سه جنایت اول حمایت از افراد می‌باشد در حالی که هدف از جرم انگاری جنایت تجاوز حمایت از دولت، حاکمیت سیاسی، استقلال و تمامیت سرزمینی آن می‌نماید. «علت محدود کردن مرتکبین این جنایت به افراد سیاسی و نظامی موثر در حکومت تعریف ارائه شده برای عمل تجاوز کارانه در بند ۲ ماده ۸ مکرر است، چه بند ۲ عمل تجاوز کارانه را استفاده از نیروی مسلح از سوی یک دولت... تعریف کرده که معمولاً توسط افراد نظامی و سیاسی انجام می‌پذیرد» (Robert, 2010: 722). بنابراین اشخاص سیاسی و نظامی غیر موثر و همچون معاونین و مشاوران که صرفاً مشاوره دادند یا فرماندهان رده پایین بر اساس سلسله مراتب نظامی و سربازان وظیفه که در واقع کارگر جرم هستند نسبت به جنایت تجاوز قابل تعقیب نمی‌باشند. «این در حالی است که در محکمه نورنبرگ هر کس را که در توطئه نازی‌ها به ارتکاب تجاوز شرکت داشت یا در حالی که از توطئه آن‌ها خبر داشت عمداً به پیش برد اهداف آن‌ها کمک می‌کرد مجرم شناختند» (Kevin Jon, 2011: 489).

۴-۲-۵- شدید بودن

شدید بودن رفتار ارتكابی یکی از شروط اصلی تحقق جنایت بین‌المللی می‌باشد با مذاقه در جنایات بین‌المللی شناسایی شده توسط جامعه بین‌المللی مبرهن می‌گردد که حقوق بین‌الملل اطلاق وصف جنایت به رفتارهای ممنوعه مورد نظر را به تحقق آستانه بالا منوط کرده است: یعنی در جامعه بین‌الملل جرایمی را واجد وصف جنایت بین‌المللی می‌داند که علاوه بر عنصر مادی و معنوی دارای آستانه شدت، گسترده یا نظاممند باشد. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری هم از این امر مستثنی نمی‌باشد. به طوری که از آستانه‌های متفاوتی در مورد جرایم در صلاحیت دیوان استفاده نموده است، در مورد جنایت تجاوز نیز مطابق بند یک ماده ۸ مکرر تحقق این جنایت منوط به سه آستانه ماهیت، شدت و گستره می‌باشد. که به نظر می‌رسد بیانگر سازمان‌یافته بودن آن می‌باشد. توضیح اینکه جنایت بین‌المللی به دو دسته فردی و سازمان‌یافته تقسیم می‌گردد: در حالی که جنایت فردی شامل مواردی می‌شود که مرتکبین غالباً از روی هوس رانی و به ابتکار خود انجام می‌دهند. «جنایت سازمان‌یافته جنایتی هستند که در سطح وسیع و برای پیشبرد برنامه از پیش تعیین شده ای ارتکاب می‌یابند» (زمانی، ۱۳۹۵: ۱۱)؛ (Zamani, 2015: 11). این نوع جنایت به درخواست، دستور، تشویق و یا حداقل تحمیل مقامات حکومتی انجام می‌شود. بر این اساس است که حقوق بین‌الملل کیفری برای مقابله با این جرایم مصونیت رهبران یک دولت و همچنین دستور مافوق به عنوان رافع مسئولیت کیفری نمی‌پذیرد.

۱. بند ۲ ماده ۸ مکرر: «منظور از عمل تجاوز کارانه در بند ۱، استفاده از نیروی مسلح از سوی یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی دولت دیگر یا به هر نحو دیگر ناسازگار با منشور سازمان ملل متحد است...».

۴-۲-۶- ناقض منشور بودن

عبارت ماهیت، شدت^۱ و گستره آن عمل تجاوز کارانه^۲ در ماده ۸ مکرر اساسنامه، اقداماتی را که بر اساس منشور سازمان ملل یا سایر قوانین و اصولی که موجب اقدامات نظامی به قلمرو یک کشور دیگر می‌شود را از تعریف جنایت تجاوز خارج می‌نماید: به این معنی که بین اعمال تجاوز کارانه ناقض منشور ملل متحد و اعمال تجاوز کارانه ای که ناشی از مجوز منشور است، تفکیک می‌نماید. بند یک ماده ۸ مکرر تنها عمل تجاوز کارانه را در صلاحیت دیوان قرار می‌دهد که ماهیت، شدت و گستره آن علاوه بر شدید بودن موجب نقض منشور ملل متحد گردد.^۳ به نظر می‌رسد اقدامات صورت گرفته از سوی شورای امنیت و عملیات دفاع جمعی و فردی اقداماتی هستند که در منشور سازمان ملل پیش بینی شده است و انجام آن موجب نقض منشور سازمان ملل نخواهد بود. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود اینکه آیا ماهیت این اقدامات عمل تجاوز کارانه است یا خیر؟ در پاسخ باید بگوییم هر گونه اقدام نظامی از سوی کشورهای عضو سازمان ملل به درخواست این سازمان نیازمند فرایند برنامه‌ریزی یک عمل تجاوز کارانه است و به لحاظ ماهیت عمل تجاوز کارانه محسوب می‌شود. اما از آنجا که اهدافی چون استقلال سیاسی و... را در بر نمی‌گیرد ناقض منشور سازمان ملل نیست و قابل تعقیب نمی‌باشد. سؤالی دیگری که در اینجا پیش می‌آید این است که اگر شرایط دفاع مشروع رعایت نشود آیا برنامه‌ریزی... عمل تجاوز کارانه ای که برای دفاع صورت گرفته بود تجاوز تلقی می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال باید بگوییم دفاع مشروع یک استثنا می‌باشد و در این موارد باید به قدر متیقن عمل کنیم در صورت عدم رعایت شرایط دفاع مشروع و احراز قصد تجاوز به نظر می‌رسد بتوان گفت جنایت تجاوز محقق شده است. چه در این صورت ناقض منشور ملل می‌باشد.

۴-۲-۷- نقض آشکار

کلمه آشکار در عبارت ماهیت، شدت و گستره آن عمل تجاوز کارانه، موجب نقض آشکار^۴ منشور ملل متحد می‌شود، اولین بار در قطعنامه کامپالا آمده است. به عبارت بهتر، در منشور سازمان ملل و در قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی دیده نمی‌شود و مفهوم آن به طور دقیق مشخص نشده است.

^۱. Character

^۲. Gravity

^۳. Scale

^۴. Act of Aggression

^۵. بررسی مصداقی جنایات بین‌المللی شناسایی شده توسط جامعه بین‌المللی بیانگر این واقعیت است که حقوق بین‌الملل اطلاق وصف «جنایت» به رفتارهای ممنوعه مورد نظر را به تحقق آستانه بالایی منوط کرده است. (عبداللهی، ۱۳۹۰: ۳۷۵).

^۶. Manifest Violation

«از آنجا که «نقض آشکار» موجب محدودیت دامنه جنایت تجاوز می‌گردد مورد انتقاد علمای حقوق قرار گرفته است» (Heinsch, 2010: 726).

به طوری که تا کنون سه نظر متفاوت در این زمینه ارائه گردیده است: مطابق نظر اول منظور از نقض آشکار استفاده غیر قانونی از زور در سطح گسترده می‌باشد. نظر دوم بیانگر این است که منظور از نقض آشکار گسترده بودن و شدت توسل به زور نیست بلکه بایستی به طور آشکار یا روشن مخالف منشور ملل متحد باشد. اما نظر سوم با رد دو مورد فوق اعتقاد بر این دارد که منظور از نقض آشکار در ماده مذکور مستثنی قرار دادن درگیری‌های با شدت کم یا حوادث مرزی است (Murphy, 2014: 13).

در رد نظر سوم باید بگوییم حوادث مرزی و اتفاقات کم شدت با عبارت شدت و گستره خارج می‌شود نه با نقض آشکار منشور ملل متحد. به نظر می‌رسد بتوان گفت با توجه به ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد که هدف از ایجاد سازمان مذکور را حفظ صلح بین‌المللی می‌داند و ماهیت جنایت تجاوز، حمایت از استقلال سیاسی، تمامیت سرزمینی و حاکمیت دولت می‌باشد منظور از نقض آشکار در ماده مذکور مخالفت آشکار با اهداف سازمان ملل می‌باشد در این صورت حتی برنامه‌ریزی و تدارک عمل تجاوز کارانه ای که ماهیتاً مغایر با صلح بین‌المللی و اهداف منشور سازمان ملل باشد جنایت تجاوز خواهد بود. به هر حال مطابق بند ۳ مقدمه عناصر جنایت تجاوز، کلمه آشکار نوعی وضعیت عینی است، لذا دیوان در مقام تفسیر ضابطه عینی را مد نظر قرار می‌دهد. به بیانی دیگر در بند ۲ ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی با حذف کلمه (یا) بین مراحل مختلف تجاوز ارضی با تجاوزی که نقض آشکار منشور ملل متحد می‌باشد، ویژگی نقض آشکار منشور ملل متحد را از خصوصیت‌های اقدام تجاوز کارانه دانسته و نه هم ردیف آن، به همین منظور این مصادیق نباید جدا از تعریف اقدام تجاوز کارانه در بند ۱ ماده ۸ مکرر تفسیر شوند باید ضوابط سه گانه ماهیت و شدت و گستره آن احراز شود و شبهه ای در مغایرت آن منشور ملل متحد نیز وجود نداشته باشد، بر این اساس کشمکش‌های مرزی و حوادثی که مقیاس کوچکی دارند از شمول دایره تجاوز خارج است» (Claus & Leonie, 2010: 191). سؤالی که در اینجا باید پاسخ بدهیم این است که آیا اثبات تجاوز نیازمند اثبات مغایر بودن ماهیت، شدت و گستره عمل تجاوز با منشور ملل است یا خیر؟ به نظر می‌رسد بتوان گفت از آنجا که مغایر منشور بودن یکی از شرایط تحقق جنایت تجاوز می‌باشد اثبات تجاوز مسبوق بر اثبات مغایر بودن با منشور ملل متحد می‌باشد. سؤال دیگر اینکه برای تحقق نقض آشکار منشور ملل متحد وجود یکی از مؤلفه‌های ذکر شده کافی است یا هر سه مورد باید احراز شود؟ بند ۷ تفاهم‌های مربوط به اصلاحات اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری در مورد جنایت تجاوز^۱ در این مورد مقرر می‌دارد: این طور فهمیده می‌شود که

^۱. در این زمینه، بند ۶ سایر تفاهمات اشعار می‌دارد: «این طور فهمیده می‌شود که تجاوز جدی ترین و خطرناک‌ترین

هنگام اثبات این که آیا اقدام تجاوز کارانه منجر به نقض آشکار منشور سازمان ملل گردیده است، سه مؤلفه ماهیت، شدت و گستره باید به حد کفایت برای تعیین آشکار بودن آن وجود داشته باشند. هیچ مؤلفه‌ای نمی‌تواند به تنهای آن قدر مهم باشد که به خودی خود معیار آشکار بودن تلقی شود. بنابراین به نظر می‌رسد اقدام تجاوز کارانه ابتدا باید به لحاظ ماهیت مغایر با منشور ملل متحد باشد به عبارت بهتر شدت و گستره عمل تجاوز کارانه مسبوق به ماهیت این اعمال می‌باشد.

۴-۳- نتیجه جنایت تجاوز و قابلیت انتساب آن

جنایت تجاوز از جمله جرایم مقید به نتیجه است. لذا برای تحقق این جرم باید عمل تجاوز کارانه ای با تمام شرایط مذکور انجام گیرد که ناقض منشور سازمان ملل متحدی باشد. بند ۳ عناصر اصلاحات مربوط به عناصر جنایت تجاوز در این مورد مقرر می‌دارد: عمل تجاوز کارانه - استفاده از نیروی مسلح یک دولت بر علیه حاکمیت، تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی دولت دیگر، یا به هر شکل دیگری که با منشور سازمان ملل مغایر باشد - صورت گرفته باشد (ضمیمه دوم ماده ۸ مکرر، ۲۰۱۰) بنابراین صرف آغاز عمل تجاوز کارانه به تنهای موجب تحقق جنایت تجاوز نمی‌گردد. چه باید عمل انجام شده ناقض آشکار منشور باشد. در این صورت دیوان صلاحیت خود را به سیاست گذاران عمل تجاوز کارانه اعمال خواهد نمود. نتیجه اینکه تعقیب قانونی برای محاکمه رهبران سیاسی و نظامی یک دولت مسبوق به وقوع عمل تجاوز کارانه ناقض منشور یا به عبارت دیگر ناقض صلح بین‌المللی می‌باشد.

نتیجه اقدامات باید به مرتکبین قابل انتساب باشد. منظور از قابلیت انتساب مادی یا همان رابطه سببیت، انتساب رفتار مجرمانه به فاعل جرم و نتیجه حاصل شده به رفتار مجرمانه می‌باشد. «آنچه بدیهی می‌نماید این انتساب موضوعی و عینی است و ارتباطی با وضعیت روانی فاعل ندارد. بنابراین انتساب مادی فعل مجرمانه به فاعل و همچنین انتساب نتیجه مجرمانه به رفتار مجرمانه فاعل دو ستون اصلی قابلیت انتساب مادی هستند» (کسمتی، ۱۳۸۷: ۱۵۶)؛ (Kesmati, 2008: 156). در مورد بحث ما با توجه به توضیحات فوق ابتدا باید انتساب رفتار مجرمانه: یعنی شرکت در فرایند برنامه‌ریزی یک عمل تجاوز کارانه به افراد سیاسی و نظامی یک دولت احراز گردد. بنابراین پایان دوران مجریان سیاسی یا افراد نظامی که در فرایند برنامه‌ریزی یک عمل مجرمانه شرکت داشته است موجب معافیت آن‌ها نمی‌گردد. سپس عمل تجاوز کارانه ای که به وقوع پیوسته باید ناشی از اقدامات و مقدمه‌های صورت گرفته توسط سران سیاسی و نظامی یک کشور باشد. نتیجه اینکه اگر اقدام تجاوز کارانه ای غیر از آنچه که قبلاً برنامه‌ریزی و... شده است، باشد، عنصر مادی جنایت تجاوز محقق نخواهد شد.

شکل استفاده نامشروع از زور است و تعیین این که آیا اقدام تجاوز کارانه صورت گرفته است یا خیر نیازمند ملاحظه کلیه جوانب در هر مورد خاص، از جمله وخامت اقدامات مذکور و عواقب آن‌ها مطابق منشور سازمان ملل است.»

نتیجه گیری

ماهیت دهشتناک جنایت تجاوز سبب عطش جامعه بین‌المللی برای تعقیب قانونی این جنایت گردید، اما پیچیدگی این جنایت مانع از تعریف آن می‌شد. مسبوق بودن جنایت تجاوز به عمل تجاوزکارانه که عمل یک عضو سیاسی جامعه بین‌الملل می‌باشد موجب گردید نزدیک به یک قرن فعالیت گسترده برای رسیدن به این هدف انجام گیرد. اعمال صلاحیت بالقوه دیوان بین‌المللی کیفری برای تعقیب جنایت تجاوز در اواخر قرن بیستم موفقیت عظیمی در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود، اما مبنای قانونی مطلق که دیوان به تبعیت از حقوق داخلی مبنای قرار داده است ایجاب می‌کرد تا عنصر قانونی جنایت تجاوز مشخص و در اساسنامه تصریح گردد. مآلاً در اولین بازنگری در اساسنامه رم در سال ۲۰۱۰ میلادی برای اولین بار بین جنایت تجاوز و عمل تجاوزکارانه تفکیک گردید و جنایت تجاوز تعریف شد، مطابق این تعریف عنصر مادی جنایت تجاوز شرکت در فرایند برنامه‌ریزی یک عمل تجاوزکارانه می‌باشد؛ این فرایند به عنوان عنصری ویژه جنایت تجاوز علاوه بر سه عنصر لازم برای تحقق یک جنایت است و منظور از آن شرکت داشتن در برنامه‌ریزی، تهیه مقدمات، آغاز و اجرای یک عمل تجاوزکارانه از سویی یک دولت علیه دولت دیگر می‌باشد. علاوه بر مصادیق فوق به عنوان رفتار فیزیکی، شرایط دیگر همچون: شخص حقیقی بودن، دولت بودن دو طرف شرکت کننده در عمل تجاوزکارانه، افراد سیاسی و نظامی موثر در هدایت و کنترل دولت بودن، ناقض منشور ملل متحد و آشکار بودن این نقض برای تحقق جنایت تجاوز ضروری می‌باشد. همچنین برای تعقیب این افراد باید عمل تجاوزکارانه‌ی صورت پذیرد و ناقض منشور ملل متحد باشد یعنی از جمله جنایات مقید به نتیجه می‌باشد. پس از احراز شرایط فوق و برقراری رابطه علیت بین عمل تجاوزکارانه و رفتاری فیزیکی انجام گرفته و همچنین بین افراد متهم و رفتار فیزیکی عنصر مادی جنایت تجاوز به طور کامل اثبات می‌گردد.

منابع فارسی

۱. آزمایش، ع. (۱۳۹۸). جزوه درسی: بررسی اصول اساسی حقوق بین‌المللی کیفری.
۲. آقایی جنت مکان، ح. (۱۴۰۰). محاکمه قدرت، تهران، گنج دانش، چاپ دوم.
۳. دارابی‌نیا، م؛ فروغی‌نیا، ح. (۱۳۹۴). رابطه شورای امنیت سازمان ملل متحد با دیوان کیفری بین‌المللی در زمینه جنایت تجاوز سرزمینی. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۶(۱)، ۱۷۰-۱۴۱.
۴. زمانی، ق. (۱۳۹۵). واگرایی و همگرایی «مسئولیت کیفری فردی» و «مسئولیت بین‌المللی دولت: تأملی در اوراق پرونده جنگ شیمیایی عراق علیه ایران. پژوهش حقوق عمومی، ۱۸(۵۱)، ۲۹-۹.
۵. ساک کیتی شیازری، ک. (۱۳۹۶). حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه؛ بهنام یوسفیان و دیگران. چاپ اول، تهران، جنگل.

۶. ضیایی بیگدلی، م. (۱۳۹۷). حقوق مخاصمات مسلحانه، تهران، دانشگاه علامه، چاپ ششم.
۷. عبدالهی، م. (۱۳۹۰). مفهوم و تعریف جنایت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل. در: حقوق کیفری بین‌المللی، زیر نظر نسرین مهرا، تهران، میزان.
۸. عسگری، پ.، خسروی، ی. (۱۳۹۵). ضرورت و بایسته‌های مطالعات صلح از دیدگاه حقوق بین‌الملل. پژوهش روابط بین‌الملل، ۶(۴)، ۲۶۶-۲۳۷.
۹. کریستوفر، ک. (۱۳۹۸). تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی، ترجمه؛ حسین میر محمد صادقی. چاپ سوم، تهران، جنگل.
۱۰. کسمتی، ز. (۱۳۸۷). اصول انتساب مسئولیت کیفری فردی در چارچوب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۱. میر محمد صادقی، ح. (۱۳۹۸). دادگاه کیفری بین‌المللی. تهران، دادگستر، چاپ نهم.
۱۲. نیورت، ج. (۱۳۹۹). محاکمات نورنبرگ. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس، چاپ پنجم.

English References

1. Beth, V. (2012). Par in Parem Imperium Non Habet, *Journal of International Criminal*, Oxford University Press.
2. Gerhard, W. (2007). *The Crime of Aggression between International and Domestic Criminal Law*, 21 September, XVth International Congress on Social Defence. Humboldt-Universität zu Berlin.
3. Isdore Ozuo, I. (2019). *normative development of the Crime of Aggression: the kampala amendments to the rome statute or the Malabo protocol?*, African Journal Of Criminal Law And Jurisprudence
4. Joachim, G. (2013). *Defining Aggression for the International Criminal Court: A Proposal*.
5. Juris, J. (2016). *The Crime of Aggression in International Criminal Law*. Challenges in jurisprudence and doctrine
6. Kevin Jon, H. (2011). *The Nuremberg Military Tribunals and the Origins of International Criminal law*, first published, New York, Oxford University press.
7. L. Kurt A. (2004) *Black's Law Dictionary* (8th ed.).
8. Larry, M. (2015). *Aggression and Crimes against Peace*, First published, New York Cambridge University Press.
9. Nicholas, T. (2012). *The Prohibition of Threats of Force*, Research Handbook on

- International Conflict and Security Law, Nigel White, Christian Henderson, eds, Elgar.
10. Noah, W. (2010). *Conceptualizing Aggression*, FIU Legal Studies Research Paper Series, Research Paper No.10-64.
 11. Parszadehm, M, Ostovar, M. (2021). *The Military High-Ranking Officials Individual Criminal Responsibility in Cyber Aggressions and ICC Exercise of Jurisdiction over It Proposing Media Approaches* 5(2), Serial Number 6.
 12. Robert H. (2010). *The Crime of Aggression after Kampala: Success or Burden for the Future?* Gottingen Journal of International Law 2.
 13. Sayapin, S. (2014). *Elements of an Act of Aggression: An Overview of Modern International Law and Practice*. In *The Crime of Aggression in International Criminal Law* (75–144). T.M.C. Asser Press.
 14. Sean D. M. (2014). *The Crime of Aggression at the ICC*, The Oxford Handbook of the Use of Force in International Law.
 15. Luboslav, S. (2018). *The He Crime of 'Aggression': Does its Narrow Definition and Limited Jurisdiction Affect Criminal Responsibility at the International Level*. New York Cambridge University Press.
 16. Solis, G. D. (2020). *The Law of Armed Conflict: International Humanitarian Law in War*, university printing house, Cambridge cb2 8bs, united kingdom
 17. Tom, R. (2010), *Armed attack and Article 51 of UN Charter*. Cambridge University Press, New York.

Translated References to English

1. Abdollahi, M. (2011). *The concept and definition of international crime in international law*, in international criminal law, under the supervision of Nasrin Mehra, Tehran, Mizan. **(In Persian)**
2. Agae Janat Makan, H. (2021). *The Trial of Power, Second Edition, Tehran, The Treasure of Knowledge*. **(In Persian)**
3. Asgari, P., & Khosravi, Y. (2016). *Necessity and requirements of peace studies from the perspective of international Law*. *International Relations Researches*, 4(6), 237-266. **(In Persian)**
4. Azmayesh, A. (2019). *Textbook: A Study of the Basic Principles of International Criminal Law*. **(In Persian)**

5. Beth, V. (2012). *Par in Parem Imperium Non Habet*, *Journal of International Criminal*, Oxford University Press.
6. Christopher, C. (2019). *Analysis of the Principles of Public Criminal Law*, translated by Hossein Mir Mohammad Sadeghi. Third Edition, Tehran, Jangal. **(In Persian)**
7. Darabi Nia, M., & Foroughinia, H. (2015). The Relationship between the UN Security Council and the International Criminal Court in the Field of the Crime of Territorial Aggression. *Criminal Law Research*, 6(1), 141-170. **(In Persian)**
8. Gerhard, W. (2007). *The Crime of Aggression between International and Domestic Criminal Law*, 21 September, XVth International Congress on Social Defence. Humboldt-Universität zu Berlin.
9. Isdore Ozu, I. (2019). *normative development of the Crime of Aggression: the kampala amendments to the rome statute or the Malabo protocol?*, *African Journal Of Criminal Law And Jurisprudence*
10. Joachim, G. (2013). *Defining Aggression for the International Criminal Court: A Proposal*.
11. Juris, J. (2016). *The Crime of Aggression in International Criminal Law*. Challenges in jurisprudence and doctrine
12. Kasmati, Z. (2008). *Principles of Assignment of Individual Criminal Liability in the Framework of the Statute of the International Criminal Court*, PhD Thesis, Allameh Tabatabai University. **(In Persian)**
13. Kevin Jon, H. (2011). *The Nuremberg Military Tribunals and the Origins of International Criminal law*, first published, New York, Oxford University press.
14. L. Kurt A. (2004) *Black's Law Dictionary* (8th ed.).
15. Larry, M. (2015). *Aggression and Crimes against Peace*, First published, New York Cambridge University Press.
16. Luboslav, S. (2018). *The He Crime of 'Aggression': Does its Narrow Definition and Limited Jurisdiction Affect Criminal Responsibility at the International Level*. New York Cambridge University Press.
17. Mir Mohammad Sadeghi, H. (2019). *International Criminal Court, Ninth Edition*, Tehran, Justice. **(In Persian)**
18. Neport, J. (1399) *Nuremberg Trials*, translated by Mehdi Haghigatkah. Fifth Edition, Tehran, Phoenix. **(In Persian)**

19. Nicholas, T. (2012). *The Prohibition of Threats of Force*, Research Handbook on International Conflict and Security Law, Nigel White, Christian Henderson, eds, Elgar.
20. Noah, W. (2010). *Conceptualizing Aggression*, FIU Legal Studies Research Paper Series, Research Paper No.10-64.
21. Parszadehm, M, Ostovar, M. (2021). *The Military High-Ranking Officials Individual Criminal Responsibility in Cyber Aggressions and ICC Exercise of Jurisdiction over It* Proposing Media Approaches 5(2), Serial Number 6.
22. Robert H. (2010). *The Crime of Aggression after Kampala: Success or Burden for the Future?* Gottingen Journal of International Law 2.
23. Sac Kitty Shizari, Kringing.(2017), *International Criminal Law, Translated by Behnam Yousefian and Others*. Tehran, Jangal. **(In Persian)**
24. Sayapin, S. (2014). *Elements of an Act of Aggression: An Overview of Modern International Law and Practice*. In *The Crime of Aggression in International Criminal Law* (75–144). T.M.C. Asser Press.
25. Sean D. M. (2014). *The Crime of Aggression at the ICC*, The Oxford Handbook of the Use of Force in International Law.
26. Solis, G. D. (2020). *The Law of Armed Conflict: International Humanitarian Law in War*, university printing house, Cambridge cb2 8bs, united kingdom
27. Tom, R. (2010), *Armed attack and Article 51 of UN Charter*. Cambridge University Press, New York.
28. Zamani, Q. (2016). *Divergence and Convergence of "Individual Criminal Liability and "International Government Liability": A Reflection on Iraq Chemical Warfare against Iran*. *Public Law Research*, 18(51), 9-29. **(In Persian)**
29. Ziaee Bigdeli, M. (2018). *Law of Armed Conflict, sixth edition*, Tehran, Allameh University. **(In Persian)**



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی